بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه51...2/9/1399

مبحث سوم : آیا در تطهیر لباس نجس با اب قلیل دست کشیدن واجب است ؟ عرب میگوید فَرّک یا دَلک

دوقول است : قول اول : اگر متنجس از اجسام سفت مثل بدن باشد به طوری که آب دران نفوذ نمیکند دست کشیدن و مالیدن در وقت شستن واجب نیست مرحوم‌ علامه در تحریر و نهایة الاحکام و مرحوم ابن حمزه در وسیله قائل است ☑️ دلیل قول اول :

اول : استظهار : یک قاعده ای است که ما می دانیم از بعضی از روایات یا فتاوی طلب ظهور کنیم مثلا جایی که قابل فشردن نیست استظهار کنیم حالا که قابل فشردن نیست با دست بر روی بدن یا ظرف بکشیم

دوم : موثقه عمار بن موسی عن ابی عبدالله علیه السلام فی قدح او اناء یُشرب فیه الخمر قال تغسله ثلاث مرات سُئِلَ یُجزِئُه أن یُصب فیه الماء اب درونش بریزم مجزی است ؟ قال علیه السلام لا یجرئه حتی یدلِکُه بیده و یغسله ثلاث مرات

تقریب استدلال : بنابر رانچه مرحوم علامه در المنتهی فرمود امام علیه السلام غَسل را مطلق گذاشت سپس امر به دلک کرد این امر بعد امر دلالت میکند بر اینکه دلک در مفهوم غَسل داخل است و شستن بدون دلک صادق نیست و اگر نگویید دلک د رمفهوم غَسل داخل است تاخیر بیان از وقت حاجت لازم می آید یعنی دو تا امر مستقل است و چرا امام این دو امر است پشت سر هم نفرمود یکی را اول گفتند و دیگری را با فاصله بیان کردند

قول دوم :قول اکثر فقها دلک در شستن شرط نیست مگر جایی که ازاله نجاست بخواهید انجام دهید درانجا دست بزنید تا نجس از بین برود و اطمینان حاصل شود که ازاله انجام شد ؛ ☑️ اشکالات استاد :

اما استظهار : منظور شما از استظهار یقین و اطمینان به ازاله نجس حین و بعد از غَسل است دراین صورت دلک داخل در حقیقت غَسل نیست بلکه مقدمه برای علم به وجود ازاله است لذا دلک درحکم عصر است و اگرمنظور شما استظهار موثقه عمار بن موسی است باید بگویم که أین موثقه کاری به وجود دلک ندارد نمیخواهد دلک را واجب کند بلکه در مورد خمر وارد شده خمر دارای رسوب است و مایع غلیظ است و به روی ظرف میماند و با اب گرفتن پاک نمیشود امام فرمودند دست بکشید پس مطلقا دلک معتبر نیست حتی جایی که ازاله نجاست لازم نباشد آنجایی که ازاله نجاست لازم به دلک دارد دلک مقدمه علم به زوال نجاست است

اما مساله تاخیر بیان از وقت حاجت : در اینجا لازم نمی آید چون امام علیه السلام دلک را برای غَسل نفرمود و برای صب الماء فرمودند سوال کرد که آیا ریختن اب دراین ظروف خمر مجزی است ؟ امام فرمود لا یجزی حتی یدلک بیده با دستش دست بکشد لذا تاخیر بیان از وقت حاجت نشده چون أین دلک جواب سوال صب است اگردر جواب از سوال غَسل باشد بله لازم می آید

و اما اینکه علامه فرمود دلک در حقیقت و مسمای غَسل است اشکالش این است که ما دو تا قرینه بر خلاف آن داریم

قرینه اول :عطف جمله : و یغسله ثلاث مرات به یدلکه این عطف اقتضا میکند که دلک از حقیقت غَسل خارج است و امام این است دلک را فرمود و سپس غسل را اگر دلک داخل در حقیقت غَسل است اول باید یغسل را میفرمود بعد از آن یدلکه بیاید

قرینه دوم :یدلکه در صدر موثقه نیامده بلکه بعد از سوال از صب آمده چون امام علیه السلام توجه داشتند که سائل مجرد صب را در تطهیر بدن یا آن ظرف خمری کافی میداند ولو اینکه عین نجاست باقی باشد یدلکه فرمود تا این توجه ایشان را اشتباه بداند و از ایشان رفع شبهه کند که دلک انجام بدهند ازاله نجاست بشود پس مناط دلک مزیل نجاست است و در حقیقت غَسل دخیل نیست

مضافا برااین دو قرینه همین راوی از امام صادق علیه السلام پرسید از کوزه و ظرف که نجسند کیف یُغسل و کم مرةٍ یغسل ؟ امام فرمود یغسل ثلاث مرات خود این روایت صریح در عدم اعتبار دلک است و همچنین اخباری که امر به ریختن آب بربدن بولی یا محل استنجاء دارد و اصلا اشاره ای به دلک نکرد اتفاقا در تعلیل مثل میفرماید فانما هو ماء خود این بول آب است یعنی یزول بسهولة پس دلک صرفا بای زوال عین نجس است . جایی که نیازی به زوال عین نجس نیست اب ریختن کافی است